

بررسی روابط ایران و ازبکستان و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران

سیروس کریمی

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی روابط ایران و ازبکستان و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران انجام شد. روش پژوهش کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و... بود. نتایج پژوهش نشان داد ازبکستان بعنوان پرجمعیت ترین کشور آسیای مرکزی و به عقیده اغلب صاحب نظران مهمترین آنها بازار بالقوه و مناسبی برای کالاها و خدمات فنی و مهندسی ایرانی و یک منبع بالقوه برای تجارت ترانزیتی وسیع بحساب می آید. در نخستین سال های استقلال ازبکستان، نقش آفرینی برخی عوامل و فاکتورهای عمدتاً سیاسی مانع از گسترش روابط همه جانبه میان دو کشور شد که از آن جمله می توان به فعالیت کشورهای غربی برای تحدید حضور ایران در منطقه اشاره کرد. اما با گذر زمان و عنایت به این مسئله که پیوندهای فرهنگی هر دو کشور از چنان عمقی برخوردار بود که هیات حاکمه ازبکستان نمی توانست از آن چشم پوشی نماید، حکومت حاکم برای جلب باور مردم به حسن نیت خود ناچار به برقراری ارتباط با ایران شد. در این بین روابط ایران و ازبکستان فرصت ها و تهدیداتی برای هر دو کشور داشت که این مقاله بدان پرداخته می شود.

واژه های کلیدی: ایران، ازبکستان، جمهوری، امنیت ملی، روابط

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی و بروز تغییرات رادیکال در ژئوپلیتیک مناطق شمالی ایران، تنظیم و تدوین یک سیاست خارجی سودمند و کارا در قبال دولت‌های تازه به استقلال رسیده به یکی از علایق و ملاحظات جدی و اجتناب ناپذیر کشورمان تبدیل شد. قرار گرفتن آسیای مرکزی در محیط امنیت فوری جمهوری اسلامی ایران که به معنای تاثیرپذیری مستقیم از روندها و پوشش‌های جاری در این منطقه است، به تخصیص بخش عمده‌ای از ظرفیت و توان مربوط به سیاستگذاری و تعیین استراتژی کشور و طرح ریزی نحوه تعامل با این جمهوری‌ها منجر شد. در شکل دهی سیاست خارجی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی دخالت و نقش آفرینی مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، ملاحظات و محرکه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کاملاً مشهود بوده است. به نحوی که هریک از آنها بعنوان متغیری مستقل، روند شکل‌گیری و اجرای رفتار خارجی ایران را در منطه تحت تاثیر قرار داده اند.^۱

از طرف دیگر توجه برخی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به موقعیت استراتژیک آسیای مرکزی و در نتیجه تلاش برای کسب نفوذ در این منطقه، خود بعنوان عامل دیگری بر روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی تاثیرگذار است، بنحوی که ایران در تنظیم روابط خود با این جمهوری‌ها به ناگزیر به اهداف، مقاصد و فعالیت‌های سایر کشورهای علاقمند به نقش آفرینی در این منطقه توجه کرده است. در واقع بروز خلاء قدرت در منطقه آسیای مرکزی بواسطه فروپاشی شوروی از یک طرف و علاقه برخی کشورها به کسب مزایای استراتژیک در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی در این منطقه از طرف دیگر سبب شد تا آسیای مرکزی در سیستم بین‌المللی بعد از جنگ سرد در کانون توجه شماری از کشورهای خواهان نقش آفرینی فعال در این حوزه قرار گیرد. در پاره‌ای موارد، تلاقی منافع ایران با اهداف و مقاصد این کشورها، محدودیت‌های فراروی سیاست خارجی ایران را در منطقه آسیای مرکزی مضاعف کرده است. از این رو شناخت مبانی رفتاری هر یک از این کشورها و تشخیص منافع و مقاصد آنها در آسیای مرکزی، شرط لازم برای تدوین و اجرای یک سیاست خارجی توانمند و اثرگذار در این منطقه از سوی ایران بوده است. به هر حال ایران در دهه گذشته و با وجود محدودیت‌ها، در فرصت‌های مختلف سیاست ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی را بصورت دوجانبه یا چندجانبه پیگیری کرده است.^۲

اشتراکات فرهنگی مهمترین عامل موثر برنگرش ایران به منطقه بوده است. وجود اجماع داخلی نسبت به روابط ایران با کشورهای منطقه نتیجه نزدیکی فرهنگی است. سیاست روشن ایران در منطقه بسط و گسترش قدرت خود در همه زمینه‌ها می‌باشد. مبارزه با انزوا در صحنه بین‌المللی جنبه دیگر سیاست ایران در این منطقه است. ایران که در برخورد با کشورهای منطقه با واقعگرایی قابل ملاحظه‌ای عمل کرده است، نه تنها ثبات را به هم نزده، بلکه تمایل خود را نیز برای همکاری با روسیه نشان داده است. ایران تلاش گسترده‌ای جهت خنثی کردن تبلیغات گسترده درباره تهدید بنیادگرایی اسلامی انجام داده و بجای پرداختن به ایدئولوژی اسلامی گام‌های چندی به سوی ارتقاء روابط اقتصادی - فرهنگی در منطقه برداشته است.^۳ متغییر اقتصادی نیز از جمله مهمترین عناصر رویکرد ایران نسبت به منطقه بوده است. ایران خود را پل ارتباطی منطقه می‌داند و بر همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه، تأکید دارد. به اعتقاد ایران همکاری و تعامل با کشورهای منطقه به توسعه اقتصادی منطقه کمک می‌کند و بدون آن تصور صلح و امنیت منطقه غیر منطقی و غیر واقعی است.^۴

1 - Mohiaddin Mesbahi, "Iran and Central Asia: Paradigm and Policy", Central Asian Survey, Vol. 23, No. 2 (2004), p34.

^۲ - شهرام قاضی زاده، «جایگاه منطقه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ج.ا.ایران»، پایان نامه کارشناسی، دانشکده روابط بین‌الملل، سال ۱۳۷۸، ص ۳۸

^۳ - استبدان، پ، «آسیای مرکزی: موضوعات و چالشها»، ترجمه فاطمه سلطانی یکتا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره ۸۹، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۳.

^۴ - A.H. H. Abid i. "Iran and Central Asian Republics: Interest and Approaches", Strategic Analysis, vol XVIII, no 3. (June 1993) pp. 375 - 386.

اهمیت و حساسیت منطقه آسیای مرکزی در مجموعه ملاحظات فرامرزی کشور، نیاز به تثبیت تعاملات با جمهوری‌های واقع در این منطقه را بعنوان یکی از الزمات فراروی سیاست خارجی ایران مطرح کرده است. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات بنیادین و تعیین کننده در آسیای مرکزی نیاز به ارزیابی مجدد رویه‌ها و روندهای مسلط و حاکم در این منطقه و باز تعریف نقش و جایگاه ایران و درک فرصت‌ها و چالش‌های نوین فراروی آن، به وضوح احساس می‌شود. تلاش برای شناخت واقعیات و تحولات منطقه در سال‌های اخیر بخش عمده‌ای از مساعی دوایر سیاستگذاری دولت‌های ذینفع در امور این منطقه را به خود اختصاص داده است. بدون شک درک واقعیات نوین آسیای مرکزی، امکان شناخت توأمان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را فراهم کرده است که نقش مستقیم و اجتناب ناپذیر در تعمیق یا تحدید نفوذ ایران در منطقه دارند و از این طریق طراحی سیاستی مبتنی بر واقعیات محیطی در مورد آسیای مرکزی ممکن می‌شود.^۵

ظهور پنج دولت مستقل در آسیای مرکزی بعنوان یکی از مهمترین پیامدهای فروپاشی شوروی، از این حیث قابل توجه است. قابل ملاحظه‌ای از ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خود معطوف داشت، مقطعی تعیین کننده در تاریخ روابط خارجی معاصر ایران محسوب می‌گردد. این واقعه ورود ملاحظات جدید در نظام تصمیم‌گیری کشور را در پی داشت. ایران در دهه گذشته به منظور نفوذ فرهنگی و سیاسی و نیل به اهداف کلان خود در منطقه آسیای مرکزی، تلاش کرد تا روابط قابل قبولی را با هریک از جمهوری‌های تازه استقلال یافته این منطقه پی ریزی کند. این روابط بطور طبیعی می‌باید عاری از تنش و سوء تفاهم بوده و امکان بهره‌مندی مطلوب از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی را برای طرفین فراهم کند. لذا در این پژوهش به بررسی روابط ایران و ازبکستان و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

-زرقانی و همکاران (۱۳۹۹) طی پژوهشی تحت عنوان «اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان» بیان کردند دیپلماسی فرهنگی رویکردی است مبتنی بر نقش و جایگاه عوامل پیوندگر «فرهنگ» در روابط میان کشورها و ملت‌ها. هدف نهایی اینگونه از دیپلماسی- در یک فضای صمیمانه، همگرا و بدور از تنش، ارائه یک تصویر مطلوب از روابط همه جانبه، بر اساس اشتراکات تمدنی- فرهنگی و هویتی میان کشورهاست. روابط ایران و ازبکستان با وجود علقه و عقبه‌های غنی فرهنگی در طول کمتر از سه دهه از (۱۹۹۱م)، همواره دچار ضعف و سپتامبر ۲۰۱۶ (و روی کار آمدن شوکت میرضیایف) ۱۴ دسامبر نوسان بوده است. با مرگ اسلام کریماف (۲۰۱۶) فصل جدیدی در روابط خارجی ازبکستان با سایر کشورها و از جمله ایران آغاز شد. براساس سیاست تداوم و تغییر با کمی انعطاف بیشتر، دولت جدید خواستار تعمیق و گسترش روابط دوستانه با ایران است. در این راستا سوال اصلی مقاله پیشرو این گونه است؛ با عطف به پیشینه تاریخی- تمدنی ایران در آسیای مرکزی به طور عام و ازبکستان به طور خاص، ایران و ازبکستان چگونه می‌توانند روابط همگرا و روبه جلویی داشته باشند؟ از آنجایی که ازبکستان (همانند اغلب جمهوری‌های آسیای مرکز) عقبه تمدنی و فرهنگی ایران به حساب می‌آید، دو کشور قادرند در چارچوب «دیپلماسی فرهنگی»، ضمن خنثی کردن زمینه‌های تهدید، روابط همگرا و روبه رشدی را در همه زمینه‌ها دنبال نمایند. از این حیث در روابط و تعاملات فرهنگی- تمدنی ایران و ازبکستان، مؤلفه‌هایی همچون اسلام به عنوان دین مشترک، زبان فارسی، مفاخر مشترک، حضور فرهنگ ایران در ازبکستان، های میراث تمدنی، تاریخی و طبیعی، توریسم، اقتصاد و... وجود دارد که می‌تواند موجب تقویت روابط جذابیت دو کشور شود.

^۵ - "ارزیابی نقش و جایگاه ایران در آسیای مرکزی با تاکید بر تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ماه ۸۲، ص: ۳ و ۴.

^۶ - Roy Allison, Lena Jonson, Op, Cit, pp. 238-240

-جعفری و براریان (۱۳۹۸) طی پژوهشی تحت عنوان «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز» بیان کردند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد دولت های جدیدالتاسیس در آسیای مرکزی و قفقاز، فصل جدیدی از مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز آغاز شد. از این رو، تبیین استراتژی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و نیز بررسی نقش عوامل تاثیرگذار حاکم بر مناسبات میان کشورها از ضروریات موجود در این پژوهش است. زیرا فرهنگ از لحاظ تاثیر وثیق آن بر حیات سیاسی-اجتماعی ملتها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می باشد. در این پژوهش تلاش شده تا پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر این کشورها، به شناخت و بررسی اولویت ها، جهت گیری ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باتوجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با واحدهای نوپدید در این منطقه و همچنین تبیین آسیب هایی که در این زمینه متوجه کشور ایران هست پرداخته شود. یافته های پژوهش در این نکته خلاصه می گردد که عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نحوه تعامل متفاوت دو کشور با نظام بین الملل، شیوه و کاربست راهبردهای فرهنگی و نیز میزان کارآمدی نهادهای مسئول امر دیپلماسی فرهنگی از نتایج متفاوتی بهره‌مند شده است.

-عطایی و کوزه گرکالنجی (۱۳۹۱) طی پژوهشی تحت عنوان «تاملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی» بیان کردند جمهوری ازبکستان تنها کشور منطقه آسیای مرکزی است که طی دو دهه گذشته رویکردی کاملاً متغیر را در عرصه سیاست خارجی به نمایش گذاشته است. رویکرد سیاست خارجی ازبکستان همواره بین همراهی و یا تقابل با فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا متغیر بوده است. شرایط یاد شده، این پرسش مهم را پیش می آورد که علت اصلی اتخاذ این رویکرد متغیر در سیاست خارجی ازبکستان چیست و این امر چه پیامدهای منطقه ای و بین المللی را به دنبال داشته است؟ به منظور پاسخ به این پرسش، مقاله پیش رو، با بهره گیری «نظریه پیوستگی» جیمز روزنا به بررسی علل و عوامل این تغییر در دو سطح تحلیل محیط داخلی و محیط بین المللی می پردازد و با در نظر گرفتن ازبکستان به عنوان یک جامعه توسعه نیافته از حیث اقتصادی و بسته از نظر سیاسی و نیز یک قدرت کوچک (در سطح نظام بین الملل) به این نتیجه رسیده است که دو عامل فرد (شخصیت و رویکرد اقتدارگرایانه اسلام کریم اف) و محیط بین المللی (اختلاف ها در آسیای مرکزی و رقابت روسیه و آمریکا)، بیش از سایر عوامل (نقش، حکومت و جامعه) در شکل گیری یک سیاست خارجی متغیر در جمهوری ازبکستان نقش ایفا نموده است. اتخاذ این نوع سیاست خارجی از سوی تاشکند، پیامدهای مهمی چون تخریب وجهه ازبکستان به عنوان یک متحد قابل اعتماد، تشدید اختلاف های ازبکستان با کشورهای منطقه آسیای مرکزی، تضعیف سازمان پیمان امنیت جمعی، واگرایی در سازمان همکاری شانگهای و تشدید رقابت بین چین و روسیه با آمریکا در آسیای مرکزی را در پی داشته که بر تداوم شرایط ناپایدار امنیتی در منطقه آسیای مرکزی بسیار موثر بوده است.

روابط ج.ا.ایران و جمهوری ازبکستان

همسایگی و نزدیکی ازبکستان با سه کشور افغانستان، تاجیکستان و ایران و احساس خطر مسئولان ازبکستان از این قرابت جغرافیائی با توجه به وجود جمعیت عظیم تاجیک در این جمهوری و همچنین اعتقادات اسلامی مردم ازبکستان که در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی از عمق و وسعت بیشتری برخوردار است، موجب شد در اوایل استقلال، رهبران ازبکستان را از اتحاد فارس زبان ها و بنیادگرایی اسلامی بیمناک نماید.^۷ به جرات می توان ادعا نمود تمام تلاش سیاست خارجی ایران در ده

۷ - قاسم ملکی، «نگاهی به سیاست خارجی ازبکستان»، تهران، ص ۱۲۲

سال اول روابط دو کشور از بین بردن شبهات در این خصوص و اعتماد سازی بوده است تا در سایه آن سطح مناسبات سیاسی و اقتصادی با ازبکستان ارتقا یابد. اگر چه در دهه اول موفقیت چشمگیری بدست نیامد اما با آگاهی دولت ازبکستان از نیت غیر مغرضانه ایران در گسترش روابط فی مابین، سیاست اعتمادسازی موثر افتاد و در سه سال اخیر علی رغم فشارهای متعدد شاهد رشد چشمگیر روابط دو کشور در زمینه های مختلف بوده ایم.

پیشینه تاریخی روابط

اغلب شهرهای موجود در محدوده جمهوری ازبکستان فعلی مرکز تمدن ماوراء النهر بشمار میاید که خود بخش مهمی از تمدن ایران اسلامی است. تمام سلسله های حاکم در تاریخ ایران به نحوی در این منطقه نفوذ داشته اند. در واقع نام ازبکستان پس از حاکمیت بلشویک ها و تجزیه ترکستان به این سرزمین داده شد. این سرزمین نخستین بار توسط هخامنشیان تحت حاکمیت ایران قرار گرفت. نخستین رویارویی مسلمین با این منطقه ظاهراً در حدود دهه پنجم هجری بوده است.^۸

با روی کار آمدن عباسیان و تغییر سیاست بغداد در ممالک متصرفه بتدریج خاندان های ایرانی چون طاهریان و صفاریان در شرق ایران حکومتی بهم زده و دامنه فتوحات ایشان گاهی تا ماوراء النهر می رسید. بتدریج حکومت سامانیان از قرن سوم هجری بر ماوراء النهر از سمرقند و بخارا تا تاج (که منطقه حوالی تاشکند فعلی است) و فرغانه استقرار یافت. این دوره توأم با عظمت سیاسی و علمی بسیار ماوراء النهر و دربار سامانیان محل نطفه بستن تمدن بزرگ اسلامی در ماوراء النهر بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا و بلعمی و رودکی و نجاری و ترمذی در این عصر می زیستند و سمرقند و بخارا از مراکز علم جهان اسلام بحساب می آمد. تا قبل از حمله مغول تماس سلسه هایی که علیرغم ترک بودن بخشی از تشکیل دهندگان تاریخ و تمدن ایران محسوب می شوند و در واقع اداره کنندگان حکومت های ایشان دانشمندان ایرانی چون خواجه نظام الملک و عمیدالملک کندی بودند، در ماوراء النهر اعمال حاکمیت کرده اند. سلطه محمدخان شیبانی بر ماوراء النهر که تمایل او به گسترش این سلطه به خراسان را در پی داشت مصادف با قدرت یافتن شاه اسماعیل صفوی در ایران بود که حرکت خود را به قصد یکپارچه کردن ایران آغاز نموده بود. تهدید خراسان بوسیله ازبکان باضافه تعلیق ماوراء النهر از نظر تاریخی و فرهنگی به ایران شاه اسمعیل را به حمله به ایشان واداشت و این حمله منجر به کشته شدن محمدخان شیبانی گشت.^۹ گرچه در دوره صفویه بخصوص در زمان شاه عباس درگیری های ایشان با ازبکان ادامه داشت ولی ازبکان علیرغم پرداخت خراج یا متابعت ظاهری در برخی از مقاطع استیلای خود را بر ماوراء النهر از شرق تاختن و کاشغر و از جنوب تا بلخ و بدخشان و از شمال تا تاشکند حفظ نمودند. نادرشاه نیز دوبار به ازبکان حمله و ایشان را فراری داده و تسلیم و دست نشانده نمود. با استیلای ارتش سرخ بر ماوراء النهر و خلع امیر بخارا و خان خویه در سال ۱۹۲۰ ارتباطات ایران با این منطقه قطع شد. اما با استقلال ازبکستان در سال ۱۹۹۱ مراودات ایران با این کشور نوپا آغاز گردید.

^۸ - شیخ عطار، علیرضا، «ریشه های رفتار در آسیای مرکزی و قفقاز»، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۴)، ص ۶۴

^۹ - تقوی، اکبر «جمهوری های آسیای میانه»، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، تهران پاییز ۱۳۷۰، ص ۴۳

ایران و ازبکستان؛ آغاز روابط

ازبکستان بعنوان پرجمعیت ترین کشور آسیای مرکزی و به عقیده اغلب صاحب نظران مهمترین آنها بازار بالقوه و مناسبی برای کالاها و خدمات فنی و مهندسی ایرانی و یک منبع بالقوه برای تجارت ترانزیتی وسیع بحساب می آید.^{۱۰} در نخستین سالهای استقلال ازبکستان، نقش آفرینی برخی عوامل و فاکتورهای عمدتاً سیاسی مانع از گسترش روابط همه جانبه میان دو کشور شد که از آن جمله می توان به فعالیت کشورهای غربی برای تحدید حضور ایران در منطقه اشاره کرد.

تلاش کشورهای غربی برای جلوگیری از نفوذ ایران در آسیای مرکزی در این سالها با حدت زیادی دنبال می شد.^{۱۱} حتی پیش از آن بین سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۱، آمریکا و متحدان اروپائی و آسیائی آن، آشکارا نگرانی خود را از احتمال گسترش بنیادگرایی اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی سابق ابراز داشتند و این بیشتر بدان دلیل بود که نمی خواستند ایران یکی از بازیگران بانفوذ این منطقه باشد. در سال ۱۹۹۲ در سفر جیمز بیکر وزیر امور خارجه وقت آمریکا به آسیای مرکزی، جلوگیری از نفوذ ایران و بنیادگرایی اسلامی بعنوان یکی از ارکان سیاست آمریکا در این منطقه اعلام شد.^{۱۲} این سیاست واشنگتن و کشورهای غربی مانع عمده ای برای پی ریزی روابطی مستحکم و همه جانبه میان ایران و جمهوریهای تازه استقلال یافته بویژه آنهایی که دارای گرایشات غربگرایانه نظیر ازبکستان تبدیل شد. از طرف دیگر حکومت ازبکستان از همان ابتدای استقلال، تحت تاثیر برخی ملاحظاتی سیاسی و تبلیغاتی منفی رسانه های خارجی از گسترش روابط با تهران استقبال نکرد. اعتقاد سیاستمداران این جمهوری بویژه شخص رئیس جمهور به نظام سکولاریستی، مانعی عمده بر سر راه روابط با ایران بود. بویژه آنکه رژیم حاکم گرایشات بنیادگرایانه اسلامی را مهمترین تهدید فراروی خود قلمداد کرده و بیم آن داشت که این گرایشات ازبکستان را نیز نظیر تاجیکستان گرفتار جنگ داخلی کند. ازبکستان اعتقاد داشت که میان اپوزیسیون متحد تاجیک و ایران ارتباط اصیلی وجود دارد. کریم اف در سپتامبر ۱۹۹۲ در تاشکند به روزنامه نگاران و دیپلمات ها گفت: اعتقاد دارد ایران در کمک به اپوزیسیون متحد تاجیک دست داشته است.^{۱۳}

اسلام کریمف رئیس جمهور ازبکستان، صریح ترین کسی بود که نسبت به حمایت ایران از تندروی اسلامی انتقاد کرده و ضرورت حذف اسلام از دستور کار مناسبات دوجانبه را خواستار شد. نامبرده در ملاقات با رئیس جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ در تاشکند نگرانی خود را از گسترش مدل اسلام ایرانی صراحتاً ابراز نمود و مایل بود که سخنان مقامات ایرانی رفع کننده این نگرانی باشد.^{۱۴}

حکومت ازبکستان با جمهوری اسلامی ایران تا قبل از ملاقات مذکور رفتار نسبتاً سردی داشت که عدم اجازه افتتاح سفارتخانه به ایران و عدم شرکت کریمف در اجلاس اکو در تهران و عدم امضاء یادداشت تفاهم در سفر وزیر خارجه ایران به تاشکند و عدم تمایل به مذاکره در مورد افغانستان تجلی های آن بوده است. لکن پس از مدتی و هرچند با تاخیر، سفارت ایران در تاشکند افتتاح شد.^{۱۵} البته پیوندهای فرهنگی دو کشور از چنان عمقی برخوردار است که هیات حاکمه ازبکستان نمی توانست از آن

^{۱۰} - «ازبکستان و گامهایی تازه به سوی رشد و شکوفایی»، روزنامه ایران ۸۲/۹/۹ ص ۹

^{۱۱} - رسانه های غربی با درج اخبار و مقالات دروغین سعی در ایجاد فاصله مابین ازبکستان و ایران کرده اند بعنوان نمونه به مقاله ای که در روزنامه واشنگتن تایمز چاپ شده مراجعه شود:

Bill Gertz "Terrorists Trained by Iran Tracked From Uzbekistan", The Washington times, 8/04/2002

^{۱۲} - Shireen Hunter, "Iran, Russia and Southern Republic of Ex-Russia", Goftegou (Quarterly), summer 1996, P.85 Available at: <http://www.netiran.com>

^{۱۳} - Bruce Pannier, "Turkey and Iran in Former Soviet Central Asia and Azerbaijan: The Battle for Influence that never happened", Perspective on Central Asia (Volume II, No 13 April 1998), P.3.

^{۱۴} - Edmond Herzig, "Islam, Transnationalism and Subregionalism in the CIS", (Armonk, New York: East West Institute/M. E. Sharpe, 2000), pp 236.

^{۱۵} - David Menshari, "Iran and Central Asia: Radical Regime, Pragmatic Politics", in Central Asia meets the Middle East (London: Frank Cass, 1998), pp. 73-79

چشم پوشی نماید و برای جلب باور مردم به حسن نیت خود ناچار برقراری ارتباط را ضروری دانست. از سوی دیگر گسترش روابط ایران با سایر جماهیر آسیای مرکزی برانگیزاننده نگرانی ازبکستان از عقب ماندن از سایر همسایگان خود بود، زیرا ازبکستان با توجه به جمعیت و پیشینه تاریخی مرکزیت فرهنگی می کوشد خود را محور آسیای میانه جلوه دهد، بهمین دلیل در پی ملاقات با آقای هاشمی رفسنجانی، اسلام کریمف خود درخواست افتتاح سفارت کشورمان را در تاشکند نمود. از طرف دیگر تقویت تدریجی محور ایران - روسیه، دولت ازبکستان را که به شدت در پی خروج از مدار امنیتی روسیه بود، به دوری از ایران و بهبود روابط با محور آمریکا - ترکیه تشویق کرد. این ملاحظات تاثیر منفی بر سطح روابط و همکاری های دوجانبه ایران و ازبکستان برجای گذاشت. ازبکستان تنها کشور عضو اتحادیه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) بود که با اعمال مجازاتهای اقتصادی آمریکا بر ضد ایران موافقت کرد و آشکارا ایران را به صدور اسلامگرایی افراطی متهم کرد.^{۱۶} دولت ازبکستان همچنین صریحا از تصمیم روسیه برای ساخت یک نیروگاه هسته ای در بوشهر انتقاد کرد.^{۱۷} این مسایل سبب شد تا روابط ایران و ازبکستان به ویژه در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ از سطح قابل قبولی برخوردار نباشد. البته به تدریج با بروز برخی شرایط جدید نظیر ظهور و قدرت یابی رژیم طالبان در افغانستان به عنوان یک تهدید مشترک، بهبود روابط ایران با کشورهای اروپایی و ابطال برخی گمانه زنی ها در خصوص اهداف منفی ایران در منطقه آسیای مرکزی، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و جمهوری ازبکستان گسترش یافت.

در خصوص همکاری های اقتصادی باید به نقش مهم حمل و نقل و ارتباطات ترانزیتی در روابط دو کشور اشاره کرد. در سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ ازبکستان ۳۶ هزار تن و در سال ۲۰۰۱، ۴۸۷ هزار تن محموله دریایی را از طریق ایران حمل کرده است. در سال ۲۰۰۱ ایران ۷۵۰ هزار تن محموله را از طریق ازبکستان منتقل کرده است. و در سال ۲۰۰۴ این رقم از مرز یک میلیون تن گذشت. در حال حاضر حدود پنجاه شرکت مشترک ایرانی - ازبکی در ازبکستان مشغول فعالیت اقتصادی هستند. بیشتر آنها به طور کامل از سوی سرمایه گذاران ایرانی حمایت مالی می شوند و به تولید کالا مشغولند. گردش تجاری دو کشور در سال های اخیر افزایش داشته و به مرز ۶۰۰ میلیون دلار نزدیک شده است.^{۱۸}

نگاه ازبکستان به جمهوری اسلامی ایران؛ فرصت ها و تهدیدها

مبحث اول - اهمیت ایران از نگاه ازبکستان

الف: سیاسی

۱- ارائه ایده جدید سیاسی از سوی ایران که در آن با هیچ کشور بزرگی متحد استراتژیک نبوده و دارای مشی سیاسی مستقلانه ای است که حائل بین تفکرات غربی و آمریکایی از یک سو و تمایلات روسیه و تمرکز گرائی مسکو از سوی دیگر می باشد از یک جنبه برای طرف ازبکی بسیار مطلوب می باشد و آن جنبه عبارت است از روحیه گریز از مرکز، عرف شکنی، نرم آفرینی و مستقلانه ازبکی ها می باشد (هر چند در عمل این اتفاق نیفتاده و تاشکند به جهت ترس از بقاء در دایره کرملین به جبهه غرب پیوسته است).

۲- مطلوبیت بازی با کارت ایران جهت امتیاز گیری از روسیه و آمریکا

^{۱۶} - Leonard A. Stone, "The International Politics of central Eurasia", Central Eurasian Publications Online, 2001 (section two) P.3.

^{۱۷} - "Iran's Relation with the states of Central Asia and Transcaucasia", Background Brief, London, August 1998, P. 6

^{۱۸} - سخنان آقای شریعتمداری وزیر بازرگانی ج.ا.ایران و رئیس ایرانی کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و ازبکستان در مصاحبه با شبکه اول سیما همزمان با برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور، ۸۳/۱/۱۷

جمهوری ازبکستان نیز مانند سایر جمهوری‌های منطقه، این نکته را دریافته است که دوری یا نزدیکی به تهران پی آمدهای مثبت یا منفی از سوی آمریکا و روسیه داشته و به این دلیل هر از گاهی با بازی در معامله، منافع خاص خود را جستجو می نماید.

۳- جذابیت حرکت ایران به سمت همکاری با غرب (اروپای منهای آمریکا)

هدف ازبکستان از همکاری با غرب و آمریکا در دویبخش اقتصادی و امنیتی خلاصه می شود. به لحاظ امنیتی، ازبکستان خواهان همکاری بیشتر با ناتو و سازمان OSCE بوده و مایل است تا در دایره امنیتی غرب قرار گیرد، از نظر اقتصادی نیز همکاری با غرب و آمریکا را برای اخذ وام های کلان و کمک های اقتصادی و انتقال تکنولوژی به ازبکستان مفید ارزیابی می کند. بر اساس اعلام مقامات آمریکائی، این کشور با سه برابر کردن کمک های اقتصادی خود به ازبکستان در سال ۲۰۰۲، ۱۶۰ میلیون دلار کمک اقتصادی در قالب کمک های بلاعوض و اعتباری به ازبکستان خواهد داد. این میزان در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۵ میلیون دلار بوده است. خبرهای غیر رسمی حاکی از اجاره پایگاه هوایی خان آباد ازبکستان توسط آمریکا به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار می باشد. در بودجه پیشنهادی دولت بوش به کنگره برای سال ۲۰۰۳ نیز حدود ۸ میلیون و ۷۵۰ هزار دلار کمک نظامی به ازبکستان پیشنهاد شده است.^{۱۹}

مدل رفتار ایران مبتنی بر همکاری با غرب منهای آمریکا می تواند پاسخگوی هر دو نیاز اقتصادی و امنیتی ازبکستان نیز باشد.

۴- نفوذ و قدرت تاثیرگذاری ایران در کشورهای همسایه

نفوذ و جایگاه قابل توجه ایران در میان کشورهای منطقه بر هیچکس پوشیده نیست و این چیزی است که می تواند هم برای ازبکستان سودمند باشد (در صورت نزدیکی با ایران) و هم تهدید آمیز (در صورت فاصله گیری از تهران)

۵- نفوذ سیاسی ایران در سازمانهای بین المللی و منطقه ای: ایران به لحاظ قدرت بالای سیاسی در سازمانهایی مانند ECO، OIC و OPEC می تواند نحوه تعامل ازبکستان با این سازمانها را تعدیل و به نفع یا ضرر ازبکستان تغییر دهد.

ب - اقتصادی

۱- مسیر کوتاه، امن و اقتصادی ایران برای انتقال کالاهای ازبکی و سایر کشورهای منطقه به بازارهای جهانی و مطلوبیت زیر ساختهای ترانزیتی ایران برای اتصال ازبکستان به کشورهای پیرامون. اگر بپذیریم که جایگاه ترانزیتی ازبکستان در منطقه باعث شده است که این کشور کانون توجه سایر کشورها بوده و جایگاه ویژه به این کشور داده، مسیر ایران مکمل این اهمیت استراتژیک ازبکستان می باشد. علاوه بر این با توجه به مشکلات متعدد سیاسی، امنیتی و مرزی ازبکستان با ترکمنستان، وجود مسیر ایران برای تاشکند آلترناتیو بسیار موثری جهت انتقال کالاهای استراتژیک ازبکستان (پنبه) به بازارهای بین المللی و نتیجتاً کنترل ترکمنستان می باشد.

۲- استحکام پایه های اقتصادی - صنعتی ایران و امکان انتقال سریع و کم هزینه این تواناییها به ازبکستان (به لحاظ جغرافیایی)، توجه به این نکته ضروری است که ازبکستان به مسائل اقتصادی و امکان دریافت کمک هایی از سوی کشورها در این خصوص اهمیت ویژه ای قائل است به حدی که علی رغم وجود مشکلات بعضاً حاد سیاسی بین تاشکند و آنکارا در گذشته، مقامات ازبکی صرفاً به لحاظ وضعیت خوب صنعتی و تکنولوژیکی ترکیه میدان روابط با ترکیه را در خصوص مسایل فنی و اقتصادی تنگ نموده اند.

^{۱۹} - «اهداف آمریکا از اعطای کمک های اقتصادی به جمهوری های آسیای مرکزی»، کتابخانه دیجیتالی دید، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی <http://www.did.ir>

امضای قرار داد همکاری ایران، افغانستان و ازبکستان برای اجرای پروژه شاهراه ارتباطی بین سه کشور و ایجاد مسیر جدید ترانزیتی از آسیای مرکزی به سمت آبهای خلیج فارس گام مهم دیگری در بهبود ترانزیت حمل و نقل منطقه با مرکزیت ایران و همگرایی کشورهای منطقه بود که با سفر رؤسای جمهور تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان به ایران در خرداد ۱۳۸۲ و امضای موافقتنامه حمل و نقل سه جانبه مسیر فوق در کنار راهگذر شمال - جنوب شاخه ای فرعی در شرق ایجاد کرد.^{۲۰}

ایران با دارا بودن بیش از ۵۰ میلیون تن ظرفیت بندری، حدود ۱۵ میلیون تن ظرفیت مازاد بر نیاز دارد که می تواند در راستای مبادلات منطقه ای بین شمال و جنوب در اختیار همسایگان قرار دهد. ثبات و امنیتی که در ایران حاکم است این کشور را به امن ترین کریدورهای ترانزیت کالا تبدیل کرده است. شبکه های ارتباطی امن ایران را در کمتر کشور منطقه می توان ملاحظه کرد. ایران توانایی آن را دارد که در بنادر جنوبی خود به هر میزان ظرفیت مورد نیاز کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان ظرفیت بندری در اختیار بگذارد و حتی اسکله هایی را با مشارکت آنها، ایجاد و به اجاره به آنها واگذار نماید.

۴- ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان نفت و گاز جهان و دارای نفوذ قابل توجهی در سازمان اپک می باشد.

ج- فرهنگی

- قدمت تاریخی و سابقه دیرین در کشورداری، تاریخ غنی و فرهنگ باستانی ایران؛
- جمعیت، وسعت زیاد، امکانات جغرافیایی - فرهنگی؛
- عنصر زبان فارسی و قابلیت نفوذ فرهنگ ایرانی در ازبکستان (این عنصر با توجه به جمعیت ۱۰ درصدی تاجیک در ازبکستان برای این کشور از اهمیت بالاتری برخوردار است)؛
- وجود حاکمیت دینی در ایران (این مسئله با توجه به وجود اقلیت شیعه مذهب در این کشور، از جایگاه ویژه ای برخوردار است).

فرصت ها و تهدیدات در روابط ایران و ازبکستان:

با ذکر اهمیت ایران از نگاه ازبکستان در واقع عوامل واگرائی و همگرایی دولت ازبکستان به همکاری با ایران مشخص می گردند:

الف - سیاسی:

۱- وجود خوی استقلال طلبی ازبکستان باعث می شود که این کشور از مشی مستقلانه ایران در روابط سیاسی خود الهام گیرد. لیکن وجود مشکلات سیاسی بین تهران - واشنگتن سبب می شود که ازبکستان در روابط خود با ایران، پیوسته این مسئله را که نزدیکی به تهران موجب تکدر خاطر آمریکا خواهد شد در نظر بگیرد.

۲- همکاری ایران با کشورهای اروپایی باعث می شود تا ازبکستان نتواند با کارت ایران در مقابل این کشورها بازی نماید. روابط خوب تهران با اتحادیه اروپا در واقع فرصت نزدیکی استراتژیک ازبکستان با اتحادیه بمنظور بازی با کارت ایران جهت نزدیکی با اتحادیه مزبور را منتفی می کند چرا که از نگاه اعضای اتحادیه، ایران بزرگترین و تاثیرگذارترین کشور در منطقه بوده و حفظ روابط با ایران نوعی تضمین منافع این کشورها نیز می باشد. نمونه جنگ با طالبان و کنترل قاچاق مواد مخدر (که اتحادیه مستقیماً ذینفع می باشد) از موارد موفق همکاری با ایران بود. این مقوله به معنای عدم ایجاد روابط اتحادیه با

^{۲۰} - بهرام امیر احمدی، "نقش افغانستان در ارتباط ایران با آسیای مرکزی" همشهری دیپلماتیک، نیمه اول بهمن ۱۳۸۲، شماره ۶ ص ۱۰.

کشورهای آسیای مرکزی و از جمله ازبکستان نیست بلکه بدین معناست که انحصار روابط اتحادیه با ازبکستان را (بعنوان بزرگترین کشور آسیای مرکزی) از بین می برد.

۳- قدرت تاثیر گذاری بالای ایران در کشورهای منطقه و همسایه سبب می شود که ازبکستان پیوسته از همکاری و ائتلاف تهران با اسلام آباد، کابل، دوشنبه و عشق آباد نگرانی داشته باشد. به اعتقاد ازبکستان، ایران توانائی بسیج نیروهای اسلامی در افغانستان و تاجیکستان، توانایی جلب همکاری استراتژیک پاکستان و همراهی راهبردی با ترکمنستان را دارا بوده و این امر بدون لحاظ کردن ازبکستان در واقع به معنای محاصره این کشور می باشد.

۴- نفوذ سیاسی ایران در OPEC، ECO، OIC پیوسته این نگرانی را در تاشکند ایجاد نموده است که ایران از این ابزار برای تحمیل انتظارات خود به تاشکند استفاده کرده و ازبکستان را در میان کشورهای منطقه، اسلامی و صادرکنندگان نفت و گاز محاصره و منزوی نماید.

ب - اقتصادی

در حال حاضر امن ترین و اقتصادی ترین مسیر دستیابی ازبکستان به بازارهای خارجی مسیر ترانزیتی ایران است. بمنظور خروج از بن بست ترانزیتی و وابستگی صرف به مسیر ایران، دولت ازبکستان سیاست متنوع سازی مسیر های صادراتی از طریق افغانستان، پاکستان، قزاقستان و روسیه را در پیش گرفته است.

ج - فرهنگی

۱- ترس ازبکستان از گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی. با توجه به وجود فارسی زبانان بسیار در شهرهای مختلف ازبکستان، دولت این کشور درهراس است ایران با گسترش فعالیت در میان فارسی زبانان ازبکستان (تاجیک ها و فارس ها) در امنیت ملی و ثبات داخلی ازبکستان تاثیر گذار باشد.

۲- با توجه به حاکمیت دینی در ایران، تفاوت مذهبی بین ایران و ازبکستان، سیستم لائیک حکومت ازبکستان و بالاخره وجود اقلیت شیعه مذهب در ازبکستان، پیوسته نگرانی تاثیر گذاری ایران در این کشور وجود دارد.

دوره های مختلف روابط ایران و ازبکستان

تاریخ روابط چندین ساله روابط ایران و ازبکستان را می توان اجمالا به سه مرحله تقسیم کرد.

۱- دوره تاسیسی

این دوره حدود دو سال از مناسبات دو کشور را شامل می شود. دراین دو سال نگاه ازبکستان به کشورمان بر مبنای نیاز این کشور به شناسایی بین المللی و نیز استمداد در دستیابی به مبانی استقلال و فوریت های آن بود. ضمن آنکه ایران نیز به ایجاد مناسبات دوستانه و برادرانه بر مبنای مشترکات فرهنگی و تاریخی دو ملت و نیز منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی می اندیشید.

۲- دوره تعریفی و سیاست گذاری

که با عبور جمهوری ها از دوران احساسی ناشی از فروپاشی و استقلال ناخواسته، کسب اعتماد به نفس بیشتر رهبران این کشور ها، واقعی تر شدن نگرش های بین المللی نسبت به این جمهوری ها و تمایل به سمت حضور و نفوذ در منطقه و نیز قرار گرفتن جمهوری های جدید التاسیس در مرحله تدوین و اعلام اصول سیاست خارجی و مبانی توسعه سیاسی و اقتصادی داخلی و انتخاب شرکای بین المللی مقارن بود. این مرحله به دلیل غلبه گرایشات سیاست خارجی ازبکستان به سمت توسعه مناسبات با غرب با اهداف اقتصادی و سیاسی، پیشگیری از بروز جنبشهای اسلامی در کشور، نگرانی این کشور از تلاش ایران جهت نفوذ فرهنگی در ازبکستان توأم با برخی سوء تفاهمات و پس از آن تلاش در جهت بازی با کارت ایران در تعامل با آمریکا و اروپا،

شروع مقطع بروز رکود در مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان با ازبکستان بود. این دوره نیز با برخی فراز و نشیبها حدود ۴ سال طول کشید.

۳- دوره واقع گرایی

که با وقوف بیشتر ازبکستان بر اهمیت منطقه ای ایران و عدم امکان نادیده گرفتن نقش کشورمان در تحولات منطقه، لزوم همکاری با کشورمان به منظور تامین منافع خود در افغانستان و تاجیکستان، بروز برخی تعارضات بین این جمهوری با آمریکا و اروپا در مسائل داخلی و منطقه ای، شفافیت بیشتر مواضع منطقه ای و بین المللی کشورمان و از همه مهمتر محوریت اصول تنش زدایی و اعتماد سازی در محور سیاست های نظام و متعاقبا تحولات مثبت در عرصه روابط خارجی و بین المللی کشورمان همراه بود. این مرحله با تحولات مثبت در عرصه روابط سیاسی و اقتصادی کشورمان با ازبکستان و توسعه رایزنیهای سطوح مختلف مقامات دو کشور همراه شد و استقبال از یک ها از برنامه ریزی سفر جناب آقای خاتمی به این جمهوری آن هم درست در مقطع تحولات پس از ۱۱ سپتامبر و توسعه مناسبات همه جانبه ازبکستان با آمریکا، نتیجه آغاز مرحله واقع گرایی در سیاست خارجی ازبکستان نسبت به ایران و نیز مؤثر واقع شدن سیاست تنش زدایی و اعتماد سازی کشورمان در عرصه سیاست خارجی است.

۴- ایران و سیاست خارجی جدید ازبکستان

با روی کار آمدن شوکت میرضیایف (۱۴ دسامبر ۲۰۱۶) سیاست داخلی و خارجی ازبکستان نوین به منظور فراهم آوری زمینه های توسعه و تعامل با نیروهای درونی و بیرونی، مورد بازنگری و بازبینی اساسی قرار گرفته است. در بعد داخلی وی سیاست اصلاح را نسبت به رویکرهای گذشته (دولت کریماف) در پیش گرفته است. دولت جدید، تمرکز سیاست داخلی را مبنی بر اصلاح ساختارها از جمله تقویت جامعه مدنی، تلاش برای اصلاح حقوق بشر، تقویت رقابت های سیاسی، تلاش برای اصلاح ساختار اقتصادی، تغییر روابط بنیادین میان شهروندان و دولت، تلاش برای برقراری توسعه ناحیه ای و... عنوان کرده است. همچنین برنامه توسعه، موسوم به «راهبرد اقدام در پنج اولویت جمهوری ازبکستان» با اهدافی چون نوسازی در بخش مدیریت دولتی، باسازی سیستم قضایی، آزادسازی اقتصادی و انجام اصلاحات در بخش های مختلف اجتماعی در دستور کار دولت جدید قرار گرفته است، که اهداف عمده ای چون رونق صنعت گردشگری، توسعه مدرن منطقه ای به وسیله تعادل اجتماعی- اقتصادی، استفاده از مؤثر از منابع طبیعی، معدنی، صنعتی، کشاورزی و توریستی در منطقه برای تسریع توسعه اجتماعی و اقتصادی و افزایش استانداردهای زندگی و درآمد مردم را دنبال می نماید.^{۲۱}

در بعد خارجی دولت جدید درصدد استفاده از همه ظرفیت ها در عرصه ی معادلات سیاسی با بازتعریف سیاست خارجی نو و مستقل و فاصله گرفتن از رفتارهای دولت پیشین است. هدف سیاست خارجی دولت جدید، نقش آفرینی مؤثرتر در منطقه و ارتباط گیری گسترده با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان است. میرضیایف طی یک سخنرانی در مجلس عالی ازبکستان

(۲۳ آوریل ۲۰۱۷) چارچوب جدید سیاست خارجی ازبکستان جدید را چنین معرفی کرد:

(۱) عدم مشارکت ازبکستان در بلوک های نظامی و سیاسی، غیراز هیئت های پاسدار صلح

(۲) عدم موافقت با تأسیس پایگاه های نظامی خارجی در خاک ازبکستان؛

(۳) مشارکت استراتژیک و توازن پایدار با همه قدرت ها که شامل روسیه، آمریکا، چین و اتحادیه اروپا می-شود؛

²¹ Bowyer, Anthony C. "Political Reform in Mirziyoyev's Uzbekistan: Elections, Political Parties & Civil Society", center Asia – caucas institute skil Road Studies Program, American Foreign Policy Council, Washington D.C.2018.

۴) توجه خاص به سازمان های مشترک المنافع و در رأس آنها سازمان همکاری شانگهای؛

۵) معرفی برندهای ازبکی به بازارهای جهانی؛ و

۶) توسعه توریسم و کسب سرمایه گذاری خارجی. این رویکرد جدید در سیاست داخلی و خارجی ازبکستان، ضمن فراهم آوری فرصت های اقتصادی برای شهروندان، ظرفیت منطقه ای ازبکستان را برای مدیریت تهدیدهای فراملی حتی فراتر از آسیای مرکزی تقویت می کند و منجر به انسجام جغرافیایی ازبکستان تا قلب اوراسیا می شود.^{۲۲}

به طور اجمالی در رویکرد خارجی، ازبکستان جدید خواهان روابط مطلوب با همه همسایگان (حتی تاجیکستان) و کشورهای منطقه از جمله ایران است. از این رو با گسترش روابط تاجیکستان (دوست ایران و رقیب ازبکستان) و ازبکستان و گذار از روابط بسته دوران کریماف، نگاه تاشکند به حضور فرهنگی ایران نیز تغییر کرده است. از زمان روی کار آمد میرضیایف، جدای از نشست معاونین وزرای خارجه ایران و ازبکستان در تاشکند پس از یک وقفه طولانی، در حاشیه نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسالمی در قزاقستان، ضیایف در دیدار با دکتر روحانی خواستار گسترش مناسبات همه جانبه با ایران شده است. همچنین سفر عبدالعزیز کاملاف؛ وزیر خارجه ازبکستان به تهران در مهر ۱۳۹۶^{۲۳} و متقابلاً سفر دکتر ظریف به تاشکند در آبان ۱۳۹۶ و فعال شدن کمیسیون اقتصادی مشترک دو کشور از جمله تحولات مثبتی است که در روابط تهران و تاشکند روی داده است.^{۲۴}

بانظر به متغیرهایی چون حمایت تاشکند از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای برخلاف برخی دوره ها، دعوت از دکتر روحانی برای سفر رسمی به ازبکستان و اعلام آمادگی، ایران باید برای بسط روابط دوجانبه در حوزه های موردعلاقه (رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۲) از این موقعیت نهایت استفاده را ببرد. در چنین فضای مثبتی بر خلاف دولت گذشته، به نظر می رسد روابط ایران و ازبکستان روبه بهبود باشد. دو کشور قادرند با تمرکز بر راهبرد «دیپلماسی فرهنگی»، روابط مابین را در همه زمینه ها (اقتصادی، سیاسی، امنیتی و...) بسط و توسعه دهند. لازم است در این زمینه ایران پیش قدم شود، زیرا برقراری روابط نزدیک ایران با ازبکستان به مفهوم نزدیکی بیشتر به سایر کشورهای آسیای مرکزی است.^{۲۴} علاوه بر این، با توجه به تحرکات دیپلماتیک رقبای منطقه ای ایران از جمله ترکیه و نیز سیاست اروپا و آمریکا در توسعه مناسبات با دولت ازبکستان، تاخیر بیشتر در این زمینه به مصلحت خارجی و منافع ملی کشور نخواهد بود.^{۲۵}

مقاطع چهارگانه رویکرد سیاسی ازبکستان به جمهوری اسلامی ایران

۱- شکل گیری هویت سیاسی ازبکستان:

از سال ۱۹۹۱ تا اوایل سال ۱۹۹۵ (زمانی که بتدریج اتحادیه ها و ائتلافهای منطقه ای بعنوان تثبیت کننده جایگاه سیاسی کشورهای جدید التاسیس شکل گرفت) تمامی هم و غم ازبکستان تلاش برای استحکام پایه های مشروعیت سیاسی خود در سطح بین المللی بود. از آنجا که جو داخلی مشهور از احساسات استقلال طلبانه و جدائی طلبی از اتحاد جماهیر شوروی بود، حاکمیت مشکل سیاسی چندانی در فضای داخلی نداشت (شاپان ذکر است که در میان جمهوری های تازه استقلال یافته، ازبکستان کمترین تاثیر پذیری را از سلطه فرهنگی مسکو داشته و توانسته است به میزان قابل توجهی در مقابل هجمه سیاسی

^{۲۲} Weitz, Richard, Herbst, John. "Uzbekistan's New Foreign Policy: Change and Continuity under New Leadership", institute for security & Development policy. Available at: isdsp.eu/publication/uzbekistans-new-foreign-policy (Accessed on: January 22, 2018).

^{۲۳} کوزه گر کالجی، ولی، حوزه های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میرضیایف، ایراس (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)، ۱۳۹۸/۰۶/۲۳.

^{۲۴} امیراحمدیان، بهرام، ماهیت تغییر سیاست در ازبکستان و تاثیر آن بر روابط تهران-تاشکند، موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایراس)، ۱۳۹۷/۰۴/۳۰.

^{۲۵} کوزه گر کالجی، ولی، حوزه های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میرضیایف، ایراس (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)، ۱۳۹۸/۰۶/۲۳.

– فرهنگی کمونیستی از سنن و پیشینه تاریخی خود محافظت نماید) هر چند عدم وجود پایه های اقتصادی سالم، چشم انداز آتی کشور را تیره و تاریک نشان می داد. در این دوره ازبکستان از هر کشوری که بیشترین اقبال و اعتنا را به تاشکند نشان می داد، به گرمی استقبال می نمود (خصوصاً اگر آن کشور، با پیشینه و سابقه سیاسی باستانی ای چون ایران بود). ایران به لحاظ داشتن مشترکات عدیده دینی، فرهنگی و تاریخی از سوئی و اشتراک در موضوعات منطقه ای – سیاسی و امنیتی با ازبکستان و همچنین داشتن سواحل استراتژیک دریائی در جنوب و نزدیکی مسیر برای رساندن این کشور به آبهای آزاد، از نگاه این کشور دارای اهمیت به سزائی برخوردار بوده و است. به همین خاطر نیز در همان سال نخست استقلال (۱۳۷۱) اسلام کریم اف عازم تهران شد و متعاقب آن جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ از تاشکند دیدار رسمی بعمل آورد. در این دوره (بعنوان دوره تثبیتی) هیچ گونه مشکل اساسی و جدی مابین جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان وجود نداشته و هنوز دولتمردان ازبکی مشغول محیط یابی و فزاسنجی بودند.

مقطع دوم: حرکت به سوی نظام بین المللی:

از سال ۱۹۹۵ بتدریج کشورهای جوان آسیای مرکزی و قفقاز دوره پر التهاب روزهای نخست استقلال را پشت سر گذاشته و احساسات آتشین استقلال طلبی با رکود اقتصادی داخلی و انجماد چرخهای صنعت و سرمایه گذاری به سردی گرائید و دولتمردان تاشکند اندیشه خروج از خود و پیوستن به عالم خارج را آغاز و به آن عمل نمودند. در این مرحله ازبکستان دو انتخاب و گزینه پیش روی خود داشت:

الف: ابقاء در چارچوب و فضای سیاسی – اقتصادی شرق و ایجاد روابط اقتصادی و تعریف مفاهیم مشترک سیاسی با مرکز CIS (روسیه). این انتخاب گرچه انتخاب آسان و سهل الوصولی بود لیکن از نگاه مقامات ازبکی نوعی برگشت به گذشته و نقض غرض و مخالفت با استقلال ازبکستان تلقی می شد. زیرا حضور در فضای CIS و داشتن ارتباطات استراتژیک با روسیه بنوعی کم رنگ کردن نقش مستقل ازبکستان بود. مضافاً بر اینکه در بلوک سابق شوروی و کشورهای کنونی مشترک المنافع، کشور قدرتمندی که بتواند معضلات حیاتی ازبکستان را حل نماید وجود نداشت.

ب: خروج از مجموعه CIS و ایجاد ارتباط استراتژیک با دول فرامنطقه ای و بویژه آمریکا؛ دلایل متعددی برای این انتخاب از نگاه ازبکستان وجود داشت: اول اینکه آمریکا به لحاظ در اختیار داشتن منابع مالی و امکانات اقتصادی می توانست، در بازسازی خرابه های باز مانده از سابق، مشکلات اقتصادی ازبکستان را بهبود بخشد. ثانیاً به لحاظ سیاسی، ایجاد ارتباط نزدیک با آمریکا علاوه بر اینکه یک سنت شکنی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده و به این ترتیب خواسته روانی ازبکها به لحاظ داشتن نقش رهبری در منطقه (و در این رابطه رقابت با قزاقستان) را ارضاء می کرد، خواسته دیگر ازبکها که عبارت بود از تثبیت پایه های استقلال سیاسی و ایفاء نقش کلیدی در منطقه را نیز پاسخ می داد چرا که ایجاد ارتباط با یک کشور فرامنطقه ای همان قدر به هویت دادن به ازبکستان کمک می کرد که داشتن ارتباط استراتژیک با روسیه به همان میزان هویت مستقلش را تضعیف می نمود.

سوم اینکه حاکمیت ازبکستان بوسیله عواملی تهدید می شد که دقیقاً آن عوامل بعنوان دشمنان آمریکا نیز تعریف شده بود و ازبکستان با گره زدن منافع و تهدیدهای خود با آمریکا علاوه بر اینکه از امکانات آمریکا در منطقه منتفع می شد، همکار استراتژیک آن کشور نیز به حساب می آمد. این تهدیدات مشترک که باعث گره خوردن منافع دو کشور می شد عبارت بودند از: فعالیت جنبش های اسلامی (حزب اسلامی و جنبش التحریر در ازبکستان و فعالیت های احزاب و جنبشهای اسلامی در

خاورمیانه، خلیج فارس، سایر کشورهای آسیای و بویژه خطر اسلام طالبانی در افغانستان)، مسئله افراط گرایی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و ...

بدین ترتیب ازبکستان در این مقطع، غرب و بویژه آمریکا را بعنوان کشورهای دوست انتخاب نموده و از همین رو اندک اندک فاصله سیاسی خود را با کشورهای که با آمریکا مشکلات سیاسی داشتند (مانند جمهوری اسلامی ایران) گسترش داد. برای نمونه به چند مورد از موضعگیری های اسلام کریم اف در مقطع مذکور که در راستای اهداف آمریکا بود اشاره می شود:

- اسلام کریم اف در تاریخ ۱۶/۲/۷۴ از تصمیم کلینتون در مورد محکم کردن حلقه محاصره اقتصادی علیه حکومت اسلامی ایران جانبداری کرد و نسبت به قصد روسیه در مورد همکاری های اتمی با تهران ابراز نگرانی نمود.^{۲۶}

- پیرو سخنرانی جناب آقای رفسنجانی رئیس جمهور وقت در اجلاس سران کشورهای عضو او در عشق آباد مورخ ۲۵/۲/۷۵ که در آن نسبت به آمریکا، اسرائیل و دولت وقت لبنان حملات شدید شده بود، اسلام کریم اف بعنوان سخنران بعدی اعلام کرد اگر کشورهای عضو (ایران) به اتهامات خود علیه کشورهای غایب (آمریکا، اسرائیل و دولت وقت لبنان) ادامه دهند، از این سازمان خارج خواهد شد.^{۲۷}

- درخواست ازبکستان از آمریکا برای تضمین استقلال این جمهوری: اسلام کریم اف در تاریخ ۱۸/۱/۷۴ از آمریکا خواست تا استقلال این کشور را در مقابل تهدیدات موجود تضمین نماید. ویلیام پری وزیر دفاع وقت آمریکا نیز در دیدار مورخ ۲۱/۱/۷۴ از ازبکستان به رئیس جمهور این کشور اطمینان داد که دولت آمریکا برای نزدیکی بیشتر با ازبکستان تلاش می کند.

مقطع سوم: پارادوکس منطقه گرایی و فرامنطقه گرایی ازبکستان

حرکت های سینوسی حکمرانان ازبکستان یکی از مشترکات رفتاری حاکمان سایر جمهوری تازه استقلال یافته نیز می باشد. گاهی این حرکات و تغییر مسیرهای مختلف سیاسی به دلایل واقعی و بیرونی و زمانی بنا به توهمات و تخیلات ذهنی تصمیم گیران این کشورها مربوط می شود. پس از رویکرد غرب گرایانه ازبکستان و اظهار تمایل به ورود به جرگه متحدان استراتژیک غربی، کریم اف با سه واقعیت روبرو شد:

۱- اتهامات غرب و نهادهای غرب به دولت ازبکستان بدلیل وجود سیستم پلیسی داخلی و نقض حقوق بشر و سانسور مطبوعات، برخی از کشورهای غربی و نیز بعضی از جریانات موجود در کنگره آمریکا، این مسائل را مانع اصلی ایجاد روابط نزدیک آمریکا و ازبکستان خوانده و باعث عدم انتفاع اقتصادی - سیاسی و امنیتی ازبکستان از قبل روابط با کشورهای غربی شد. در حالی که ازبکستان متحد استراتژیک آمریکا در جنگ با تروریسم خوانده شد، موضعگیری آمریکا در محکوم کردن رفتار دولت در وقایع اندیجان، دولت ازبکستان را دل آزرده ساخت.

۲- نزدیکی ازبکستان به غرب موجبات تکدر خاطر روسیه را فراهم آورده و ازبکستان را از جانب این کشور نگران ساخت. ایجاد گلایه روسیه باعث شد که ازبکستان در پی نوعی دلجویی و ایجاد اطمینان در نزد این کشور برآید که الحاق این کشور به سازمان شانگهای یکی از ثمره های حرکت به سوی روسیه بود. تانی و تاخیر تاشکند در الحاق به این سازمان (شانگهای در سال ۱۹۹۶ تاسیس ولی ازبکستان در سال ۲۰۰۱ به آن پیوست) نشانگر اصیل نبودن این حرکت بوده و بیانگر این موضوع

۲۶ - زهرا صیادی، «سفر وزیر خارجه آمریکا به ازبکستان، زمینه ها و اهداف»، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۰/۹/۱۸

۲۷ - همان.

است که ازبکستان در پاسخ به نگرانیهای روسیه راجع به نزدیکی این کشور به غرب خود را ملزم به انجام یک سری حرکت های انفعالی از جمله الحاق به شانگهای و تعلیق عضویت خویش در گووام می داند.

۳- بروز معضل طالبان در افغانستان و تهدید جدی امنیت ملی ازبکستان بدلیل حمایت این گروه از بزرگترین حزب مخالف حاکمیت (حزب اسلامی) باعث شد که مقامات ازبکی در کنار همکاری های وسیع با آمریکا (پس از حوادث سپتامبر ۲۰۰۱) بالاجبار به سمت همکاری های منطقه ای نیز توجه نمایند.

بنابر این با وقوف به اهمیت کشورهای همسایه بویژه ایران و عدم امکان نادیده گرفتن نقش تهران در تحولات منطقه، روابط تاشکند - تهران با تحولات مثبت روبرو گردید

مقطع چهارم: رویکرد اجباری به منطقه گرائی جهت کاستن حساسیت روسیه

تحولات بین المللی پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و تثبیت حضور آمریکا در منطقه و ازبکستان از سویی و انهدام جبهه مخالف ازبکستان در افغانستان (طالبان) و متلاشی شدن بخش اعظم نیروهای شبه نظامی حرکت اسلامی، باعث شد تا بار دیگر ازبکستان در ایده غرب گرایانه خود مستحکم تر گردد. کشور ازبکستان بعنوان پیشروترین کشور منطقه در پیوستن به اردوی غربی مبارزه علیه تروریسم، توانسته با استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک خود، بعنوان یک شریک مهم منطقه ای آمریکا و اروپا مطرح شده و در سایه این رخداد علاوه بر ترسیم یک چشم انداز روشن اقتصادی - اجتماعی برای کشورش، به نوعی احساس برتری سیاسی - نظامی داشته و توازن قوا را در منطقه به نفع خود تغییر دهد.

گفتنی است که ازبکستان در هر مرحله ای که سرعت غرب گرائی اش افزایش یافته، به نگرانی آن کشور از جانب روسیه نیز افزوده شده و باعث گشته است که مقامات تاشکند در کنار همکاری استراتژیک با غرب، از نوعی چکش اعتدال به سود مسکو استفاده کرده و در این چارچوب حرکت نماید.^{۲۸} استفاده از چکش اعتدال فوق الذکر به معنای همکاری ساختاری با روسیه نیست، بلکه ازبکستان تلاش می کند تا با استفاده از رنگهای خاکستری (به جای سیاه و سفید که به معنای نزدیکی کامل به روسیه و دوری کامل از آن می باشد) حساسیت هر دو طرف (آمریکا و روسیه) را در مورد روابط سیاسی خود کاسته و بجای شیفت روابط با کشور روسیه، بیشتر به همکاری های منطقه ای با کشورهای مطرح منطقه از جمله ایران، پاکستان، چین و ... بپردازد.

تاثیر تحولات منطقه ای بر روابط جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان

در بررسی سوابق روابط جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان علاوه بر پارامترهای دوجانبه مشتمل بر اراده سیاسی طرفین و نیز نیازمندی ها و علائق متقابل، عوامل منطقه ای همواره به شکلی موثر ایفای نقش نموده اند:

۱- بحران افغانستان و کم و کیف انطباق منافع ازبکستان با منافع جمهوری اسلامی ایران

۲- روند تحولات داخلی تاجیکستان و نقش جمهوری اسلامی ایران در جهت دهی به روند یاد شده

۳- جریانات اسلامی منطقه و سطح نگاه ازبکستان از تقویت این جریانها

²⁸ - Joshua, Machleder, "Visiting Officials Don't Offer Specifics on the Future of US. Uzbek Relations", Eurasia Insight, Jan 22, 2002

۴- معادله قدرت بازیگران منطقه و فرمانطقه ای در آسیای مرکزی و مانورهای سیاسی ازبکستان در جهت کسب حداکثر منافع خود از تضاد و تقابل منافع این بازیگران^{۲۹}

۵- تاثیرپذیری از اعمال فشار و یا جهت دهی های سیاسی قدرت های فرمانطقه ای تحولات سیاسی - امنیتی ایجاد شده در منطقه پس از ۱۱ سپتامبر، تقریباً تمامی پارامترهای فوق را دستخوش تحولات اساسی نمود. در این راستا کم و کیف مناسبات ایران با ازبکستان نیز بی تاثیر از تحولات یاد شده نخواهد بود. نگاهی به چگونگی این تحولات تعریف روشنتری از نگرش جاری ازبکستان به جمهوری اسلامی ایران ارائه خواهد داد و حتی جهت گیری ها آتی آن را تا حد زیادی قابل پیش بینی خواهد کرد. تغییر شرایط سیاسی - نظامی - افغانستان، سقوط طالبان و پایگاه های مخالفین ازبکستان در این کشور پس از عملیات نظامی آمریکا، سطح نگرانی ازبکها نسبت به آسیب پذیری های امنیتی از ناحیه افغانستان را به شکل چشمگیری کاهش داد. همزمان با فرآیند فوق، منافع متقابل ازبکستان و آمریکا از نقطه تعارض به نقطه تفاهم و همکاری تغییر ماهیت داده بگونه ای که در حال حاضر بنظر می رسد ازبکستان از میان مجموعه اعضای ۲+۶ بهترین همکاری را با ازبکستان در قضیه افغانستان می کند و طبعاً جایگاه سایر کشورهای منطقه ای از جمله ایران در پروسه همکاری مشترک با ازبکستان تحت تاثیر میزان همخوانی و همراهی آن با همکاری های مشترک ازبکستان قرار خواهد گرفت.

۶- تضعیف جایگاه جریانات اسلامی عملیاتی در سطوح منطقه در نتیجه تحولات نوین منطقه ای و نیز تضعیف امکان استفاده ابزاری از این گروهها توسط کشورهای ذینفع منطقه

۸- تک قطبی شدن نظام سیاسی - امنیتی منطقه آسیای مرکزی تحت تاثیر تفوق قدرت و نفوذ منطقه ای آمریکا و کاهش قدرت روسیه و ایران و نیز تضعیف امکان تشکیل ائتلاف های ضد آمریکائی در منطقه

۹- حرکت جهشی به سمت غرب خاصه آمریکا و تلاش در جهت تقویت و تحکیم حلقه ای ارتباطی با ازبکستان در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی و امنیتی و در نتیجه آسیب پذیری خواسته و ناخواسته (تحت فشار ازبکستان) مناسبات ازبکستان با کشورهای رقیب یا متخاصم با ازبکستان^{۳۰}

۱۰- تمرکز استراتژی سیاست خارجی ازبکستان بر حداکثر استفاده از شرایط سیاسی - امنیتی ایجاد شده در سطح منطقه در جهت حصول به اهداف توسعه اقتصادی از طریق جذب سرمایه گذاری های خارجی و کمک های مالی و اعتباری با توجه به وعده های داده شده به این کشور از سوی شرکای غربی تحت تاثیر شرایط فوق الاشاره به نظر می رسد که ازبکستان در مقطع فعلی و در مقایسه با شرایط قبل از ائتلاف با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم، از انگیزه کمتری جهت همکاری های فاقد اولویت بالا با سایر کشورهای غیر مطلوب در سطح منطقه و یا در مناسبات دوجانبه با روند مناسبات ازبکستان با ایران پویایی قبلی خود را از دست خواهد داد.

لزوم گسترش و تقویت روابط اقتصادی بین ایران و ازبکستان

بیشک یکی از اهداف دیپلماسی فرهنگی تمرکز بر مناسبات اقتصادی کشورها است. داشتن روابط اقتصادی گسترده کشورها در عرصه منطقه ای (با همسایگان و کشورهای منطقه) و در عرصه جهانی (با کشورهای جهان) به خودی خود نشان از عمق روابط کشورها در عرصه بین-الملل است. بدیهی است که کسب اهداف اقتصادی یکی از دلایل لزوم برقراری روابط فرهنگی

²⁹ - Refis Abazov, "Kazakhstan Desires Military Bases too", Central Asia and Caucasus ANALYST, July 3, 2002
Shahram, Akbarzadeh, "Tashkent Caught between the United States and the Shanghai Cooperation Organization", Central Asia and Caucasus ANALYST, June 5, 2002

است. بیشک درهم تنبیدگی روابط فرهنگی ایران و ازبکستان هنگامی به یکی از نتایج مهم خود دست می یابد که بتواند منجر به تعمیق روابط اقتصادی دو کشور شود. بنیان های اصلی اقتصاد ازبکستان متکی بر کشاورزی، بخصوص تولید و صادرات پنبه به بیشتر نقاط جهان است. همچنین که از حیث دارا بودن منابع هیدروکربن و بعضی از فلزات با ارزش نظیر طلا، مس و اورانیم، ازبکستان کشوری پیشرو است.^{۳۱}

پیش بینی برای تولید ناخالص داخلی ازبکستان در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی به ترتیب رشد ۵/۶ و ۵/۸ درصد عنوان شده است.^{۳۲} که پیش بینی شده ۲۰۲۰ به ۶ درصد برسد.^{۳۳}

بی تردید در برهه کنونی اقتصاد مهمترین دلیل و انگیزه گسترش روابط ایران و ازبکستان است. ایران و ازبکستان در ۲۵ سال گذشته همکاری هایی اقتصادی هرچند محدودی داشته اند، که خروجی آن بیش از ۵۹ اسناد امضا شده و کمیسیون های مشترک بین دولتی بوده است. حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۱۴ حدود ۳۷۴/۹ میلیون دلار برآورد شده است. از سال ۲۰۱۷ با مشارکت سرمایه گذاری ایران بیش از ۱۱۶ کارخانه در ازبکستان فعال گردیده است. واقعیت آن است که با فراهم شدن زمینه ها، بسترهای همکاری های اقتصادی دو کشور گسترده تر است.^{۳۴}

تعمیق روابط و مبادالت اقتصادی دو کشور با توجه به محصور در خشکی بودن ازبکستان می تواند در حوزه بازرگانی و توسعه خطوط مواصلاتی راه آهن باشد؛ به همین دلیل یکی از ساز و راه اندازی مسیرهای گوها میان ایران و ازبکستان، عموماً ساخت و محورهای مهم گفت و ترانزیتی است؛ به ویژه کریدورهای مزارشریف- هرات، ازبکستان- ترکمنستان- ایران- عمان؛ چین- قزاقستان- ازبکستان- ترکمنستان- ایران و باکو- قارص و هاب لوجستیکی چابهار که می تواند در پروژه کریدور شمال- جنوب با مشارکت ایران و ازبکستان صورت پذیرد. رویکردهایی چون راه اندازی قطار مسافرتی ایران- ازبکستان و بنیان دالان ازبکستان [۱] ترکمنستان- ایران- عمان و کوشش دو کشور در بهره برداری از پروژه خط آهن سراسری افغانستان بتردید به نفع هر سه کشور در همکاری ها چندجانبه است؛ زیرا یکی از اهداف ازبکستان دسترسی آسان به بنادر آزاد ایران (بندر عباس و چابهار) و پاکستان (گوادر و کراچی)، از طریق افغانستان است.^{۳۵}

توجه و علاقه تاشکند به بندر چابهار، به دلیل نزدیکترین مسیر دستیابی بازرگانان ازبکستانی به آب های آزاد است. همچنین ازبکستان علاقه مند به خریداری نفت از ایران و توجه به همکاری های گازی (ازبکستان یازدهمین تولیدکننده گاز دنیاست) است.

غیرازاین، با برگزاری کمیسیون مشترک همکاریهای همه جانبه میان دو کشور، مذاکراتی راجع به تعرفه ترجیحی، علاقه مندی کارآفرینان و سرمایه گذاران بخش خصوصی دو کشور، تقویت ارتباطات بانکی به عنوان زیربنای مبادلات اقتصادی، بخش از زمینه های همکاری اقتصادی میان ایران و ازبکستان است. بدیهی است با تعمیق روابط اقتصادی، میتوان حجم مبادلات سالانه اقتصادی میان ایران و ازبکستان (که تا سال ۲۰۱۵ حدود ۴۲۰ میلیون دالر ذکر شده است) را به مرز یک میلیارد دلار در سال رساند. آنچه مشخص است روابط دو کشور به رغم عضویت ایران و ازبکستان در سازمان همکاری اقتصادی اکو و حضور ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان شانگهای می تواند از رشد مناسبی برخوردار شود.^{۳۶}

^{۳۱} دیده بان کشور، ۲۰۱۸: ص ۶

^{۳۲} وب سایت کانون اقتصاد، ۲۰۱۸

^{۳۳} بانک توسعه آسیایی، ۲۰۱۹

^{۳۴} رضائی بونش، فرزاد، بسترهای نوین گسترش روابط ایران و ازبکستان، شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی، شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۰۸، شماره شاپا ۵۳۸۵-۲۴۲۳، تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۴

^{۳۵} Karimova, Zilola. "Connecting Asia: Uzbekistan Looks to Capitalize on Central Asia's Transport Potential", The Diplomat, Available at: <https://thediplomat.com/.../connecting-asia-uzbekistan-looks-to-capitalize-on-central-a> (Accessed on: 12/4/2018).

^{۳۶} رضائی بونش، فرزاد، بسترهای نوین گسترش روابط ایران و ازبکستان، شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی، شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۰۸، شماره شاپا ۵۳۸۵-۲۴۲۳، تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۴

به طور کلی اهمیت توجه به توسعه اقتصادی و تجاری با ازبکستان به شرح زیر است:

- ۱- ازبکستان پرجمعیت ترین کشور آسیای مرکزی است؛
- ۲- اهمیت این کشور به لحاظ موقعیت آن در قلب آسیای مرکزی و واسطه عبوری به سایر کشورها است. ازبکستان از طریق ترکمنستان و افغانستان با ایران ارتباط زمینی دارد؛
- ۳- ازبکستان جزو ۳۰ کشور در حال الحاق در سازمان جهانی تجارت می باشد؛
- ۴- ترانزیت پنبه (ازبکستان چهارمین تولید کننده پنبه و دومین کشور صادرکننده این محصول در جهان است) از طریق ایران به سایر کشورها؛
- ۵- امکان توسعه مناسبات اقتصادی و ترانزیتی ایران با همکاری های سه جانبه ایران، افغانستان و ازبکستان؛ و
- ۶- منابع و ذخایر معدنی ازبکستان شامل مس، اورانیوم، طلا، نفت، گاز، ذغال سنگ و... می باشد^{۳۷}.

منابع و مأخذ

۱. استبدان، پ، «آسیای مرکزی: موضوعات و چالش ها»، ترجمه فاطمه سلطانی یکتا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره ۸۹، پاییز ۱۳۷۶.
۲. «ارزیابی نقش و جایگاه ایران در آسیای مرکزی با تاکید بر تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ماه ۸۲.
۳. «ازبکستان و گام هائی تازه به سوی رشد و شکوفائی»، روزنامه ایران ۸۲/۹/۹.
۴. امیر احمدی، بهرام «نقش افغانستان در ارتباط ایران با آسیای مرکزی»، همشهری دیپلماتیک، نیمه اول بهمن ۱۳۸۲، شماره ۶، ص ۱۰.
۵. امیراحمدیان، بهرام، ماهیت تغییر سیاست در ازبکستان و تاثیر آن بر روابط تهران-تاشکند، موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایراس)، ۱۳۹۷/۰۴/۳۰.
۶. تقوی، اکبر «جمهوری های آسیای میانه»، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، تهران پاییز ۱۳۷۰.
۷. جعفری، علی اکبر؛ براریانمحمد، جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۹۸، مجله روابط بین الملل، دوره چهارم، شماره ۴۰.
۸. رضانی بونش، فرزاد، بسترهای نوین گسترش روابط ایران و ازبکستان، شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی، شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۰۸، شماره شاپا ۵۳۸۵-۲۴۲۳، تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۴.
۹. زرقانی، سیدهادی، احمدی، ابراهیم؛ حکیمی خرم، علی، اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان، فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۱-۵۶.
۱۰. شیخ عطار، علیرضا، «ریشه های رفتار در آسیای مرکزی و قفقاز»، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۴).
۱۱. صیادی، زهرا، «سفر وزیر خارجه آمریکا به ازبکستان، زمینه ها و اهداف»، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۰/۹/۱۸.

^{۳۷} سازمان توسعه و تجارت ایران، ۱۳۹۸: ص ۴

۱۲. عطایی، فرهاد؛ کوزه گرکالجی، ولی، تاملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۱۸، شماره ۷۸، ص ۱۰۷-۱۳۵.
۱۳. قاضی زاده، شهرام «جایگاه منطقه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ج.ا.ایران»، پایان نامه کارشناسی، دانشکده روابط بین الملل، سال ۱۳۷۸.
۱۴. کوزه گرکالجی، ولی، حوزه های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میرضیایف، ایراس (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)، ۱۳۹۸/۰۶/۲۳.
۱۵. ملکی، قاسم «نگاهی به سیاست خارجی ازبکستان»، ۱۳۸۶، تهران.
16. "Iran's Relation with the states of Central Asia and Transcaucasia", Background Brief, London, August 1998, P. 6
17. A.H. H. Abid i. "Iran and Central Asian Republics: Interest and Approaches ", Strategic Analysis, vol XVIII, no 3. (June 1993) pp. 375 – 386.
18. Bill Gertz "Terrorists Trained by Iran Tracked From Uzbekistan", The Washington times, 8/04/2002
19. Bruce Pannier, "Turkey and Iran in Former Soviet Central Asia and Azerbaijan: The Battle for Influence that never happened", Perspective on Central Asia (Volume II, No 13 April 1998), P.3.
20. Bowyer, Anthony C. "Political Reform in Mirziyoyev's Uzbekistan: Elections, Political Parties & Civil Society", center Asia – caucus institute skil Road Studies Program, American Foreign Policy Council, Washington D.C.2018.
21. David Menshari, "Iran and Central Asia: Radical Regime, Pragmatic Politics", in Central Asia meets the Middle East (London:Frank Cass,1998),pp. 73-79
22. Edmond Herzig, "Islam, Transnationalism and Subregionalism in the CIS", (Armonk, New York: East West Institute/M. E. Sharpe, 2000), pp 236.
23. Joshua, Machleder, "Visiting Officials Don't Offer Specifics on the Future of US. Uzbek Relations", Eurasia Insight, Jan 22, 2002
24. Leonard A. Stone, "The International Politics of central Eurasia", Central Eurasian Publications Online, 2001 (section two) P.3.
25. Karimova, Zilola. "Connecting Asia: Uzbekistan Looks to Capitalize on Central Asia's Transport Potential", The Diplomat, Available at: [https://thediplomat.com/.../ connecting-asia-uzbekistan-looks-to-capitalize-on-central-a](https://thediplomat.com/.../connecting-asia-uzbekistan-looks-to-capitalize-on-central-a) (Accessed on: 12/4/2018).
26. Mohiaddin Mesbahi, "Iran and Central Asia: Paradigm and Policy", Central Asian Survey, Vol. 23, No. 2 (2004), p34.
27. Refis Abazov, "Kazakhstan Desires Military Bases too", Central Asia and Caucasus ANALYST, July 3,2002
28. Shahram, Akbarzadeh, "Tashkent Caught between the United States and the Shanghai Cooperation Organization", Central Asia and Caucasus ANALYST, June 5, 2002
29. Shireen Hunter, "Iran, Russia and Southern Republic of Ex-Russia", Goftegou (Quarterly), summer 1996, P.85 Available at:<http://www.netiran.com>
30. Weitz, Richard, Herbst, John. "Uzbekistan's New Foreign Policy: Change and Continuity under New Leadership", institute for security & Development policy, Available at: isdpr.eu/publication/uzbekistans-new-foreign-policy (Accessed on: January 22, 2018).